

## تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر اسناد فراملی

ابوالفتح خالقی \*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۲۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۱/۲۰)

### چکیده:

بقای نسل انسان و سلامت او مشروط به وجود محیط زیست پاک، سالم و برخوردار از گونه‌های متنوع جانداران، هم‌زمان با بهره‌برداری پایدار و متناسب از آنهاست. از جمله مهم‌ترین جانداران موجود در زیست‌کره، حیوانات وحشی هستند که صیانت از بقای آنها با بکارگیری مدیریت قانونی و استفاده به‌جا از ضمانت اجرای حقوقی، به ویژه تدابیر کیفری ضروری است. در مقررات جزایی به منظور هماهنگی با معیارهای زیست محیطی مندرج در پیمان‌های بین‌المللی، شکار، زنده‌گیری، خرید، فروش، حمل، عرضه، صدور جانوران وحشی و اجزای آنها، جرم تلقی شده‌اند. تنوع حمایت کیفری در قوانین و مقررات بر اساس ۱- گونه (عادی، حمایت شده، در معرض خطر انقراض)؛ ۲- زیستگاه (مناطق حفاظت شده، پناهگاه حیات وحش، پارک ملی) و ۳- وسیله ساماندهی شده است.

### واژگان کلیدی:

کنوانسیون، گونه جانوری، قانون شکار، صید، جرم.

## مقدمه

محیط زیست شامل مجموعه‌ای از موجودات جاندار و بی‌جان است که در تعامل با یکدیگرند (هنری، ۱۳۸۲، ص ۱۶). نباتات و حیوانات دو گروه اصلی از جانداران هستند که نرخ فراوانی، تنوع، ترکیب جمعیتی و سطح پراکندگی آنان در ایجاد تعادل زیستی مؤثر است. انسان تنها موجود زنده است که قدرت مداخله نامتعارف در طبیعت را دارد. با رشد جمعیت و توسعه صنعت، وسعت مداخله انسان در طبیعت نیز افزایش یافت. این مداخلات تا زمانی که کمتر از توان بازسازی طبیعت بود، مشکل جدی ایجاد نمی‌کرد، ولی با پیشی گرفتن مداخلات انسان از توان بازسازی طبیعی، اثرات نامطلوب آن نمایان شد. شواهد این اثرات مخرب به نحوی است که هر کس با مقایسه محیط فعلی با گذشته به خوبی آن را درک می‌کند. بی‌آنکه نیاز به اقامه دلیل و برهان علمی و پیچیده داشته باشد.

شکار بی‌رویه و از بین بردن گونه‌های مختلف جانوری، یکی از این مداخلات است. تجارت اجزای بدن حیوانات یا خرید و فروش محصولات ساخته شده از آنها، تفریح و سرگرمی از انگیزه‌های انسان برای تعرضات آگاهانه به حیات وحش جانوری است. حامیان و طرفداران محیط زیست برای حفاظت از نسل و بقای جانوران وحشی و مقابله با هرگونه تهدید نسبت به آنها، از ابزارهای گوناگونی بهره جسته‌اند که استفاده و کمک از آموزه‌های دینی از این قبیل هستند (ahmad bagader abubakr 1998, p15). حرمت شکار حیوانات برای تفریح و سرگرمی (حر عاملی، ۱۴۰۳، ق: ۴۱) یکی از آنهاست. از دیگر ابزارهای مؤثر استفاده از راهکارهای قانونی است. لازمه وضع هر مقرراتی از جمله قوانین زیست محیطی، وجود دلایل متقنی است که به قدر کافی بر ضرورت آنها تاکید داشته باشد. مگر از بین رفتن یک یا چند گونه چه تأثیر مخربی بر زندگی سایر موجودات از جمله انسان خواهد داشت تا نیاز به مداخله کیفری قانون‌گذار باشد؟ چرا مبالغ زیادی از بودجه عمومی هر کشور باید برای حمایت از حیات وحش مصروف شود؟ بقای موجودات وحشی درنده، حشرات، جانداران موذی یا پرندگان شکاری چه ضرورتی دارند تا لازم باشد جامعه برای صیانت از آن بسیج شوند؟

وجود گونه‌های مختلف حیات وحش، از مظاهر خلقت آفریدگار شمرده می‌شوند. در طی میلیون‌ها سال با ایجاد ارتباط بین تمامی عناصر زنده و غیر زنده در طبیعت، نظامی متوازن شکل گرفته که در پناه آن حیات بشری نیز امکان‌پذیر شده است. شبکه حیات به نحوی سامان یافته است که زندگی هر موجود زنده به حیات سایرین پیوند خورده، دخالت نابخردانه در این شبکه سبب بر هم زدن موازنه زیستی و در مخاطره قرار گرفتن بقای نسل همه موجودات از جمله بشر خواهد شد. مثلاً در مناطقی که تعداد حیوانات گوشتخوار کاهش یافته است، ناهنجاری‌هایی مانند تراکم جمعیت جوندگان مشاهده می‌شود (عامری، ۱۳۸۲: ۳۵). بنابراین هر

موجود زنده نقشی ظریف و پیچیده در تعادل چرخه حیات ایفا می‌کند. انقراض یا کاهش جمعیت یک گونه سبب اثرات غیر عادی در گونه دیگر و انتقال آن به سایر جانداران می‌شود. رشد، توسعه و بقای بسیاری از گیاهان، گرده افشانی، گل‌دهی، به ثمر رسیدن میوه‌ها بدون وجود انواع موجودات، ناقص و ناتمام خواهد ماند. نظام طبیعت به نحوی ترتیب یافته که پاکسازی بسیاری از آلودگی‌های هم بوسیله برخی گونه‌های جانوری انجام می‌گیرد. از بین رفتن یا کاهش تعداد آنها مکانیسم گندزدایی طبیعی را مختل ساخته و در نتیجه سلامت جامعه بشری به مخاطره می‌افتد. گسترش آفات گیاهی، از دیگر پیامدهای عدم حفاظت از تنوع زیستی به شمار می‌رود. بنابراین به منظور دفع مخاطرات از جامعه انسانی و حفظ نقش آفرینی هر موجود زنده، جهانیان همگی باید با اتخاذ تدابیر مناسب، خطر انقراض در محیط زیست را که حدود و ثغور جغرافیایی نمی‌شناسد (ارشدی، ۱۳۸۴: ص ۲) به حداقل کاهش دهند.

این مراقبت تا آنجا ادامه می‌یابد که صیانت از نسل موجودات زیانکار نظیر: گرگ، روباه و گراز که به ظاهر برای کشاورزان و دامداران مضر به نظر می‌رسند، ضرورت پیدا می‌کند. شاید بتوان گفت گرچه در روزگاران بسیار دور، بقای حیات انسانی مشروط به مبارزه با حیوانات وحشی بوده اما امروزه بی‌تردید، بقای سلامت و موجودیت انسان موقوف به صیانت از حیات وحش می‌باشد.

در مقاله حاضر بر اساس قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده که در حکم مقررات داخلی هستند، به تشریح انواع حمایت‌های قانونی از گونه‌های مختلف جانوری غیر آبی پرداخته می‌شود. با توجه به این مقدمه در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا پاسخ دو پرسش روشن شود. الف- سیاست تقنینی در سطح ملی برای صیانت از حیات وحش چگونه سامان یافته است؟ ب- برای حفاظت از گونه‌های جانوری، چه تدابیر بین‌المللی اندیشیده شده است؟

## ۱- رژیم حقوقی حمایت از گونه‌های جانوری

### ۱-۱- حقوق ملی

شکار و صید گونه‌های جانوری، کاهش جمعیت آنها را به دنبال دارد. به ویژه شکار به کمک اسلحه آتشین، نسل بسیاری از حیوانات را در معرض خطر انقراض قرار می‌دهد. بر خلاف بسیاری از کشورها نظیر چین (jerry mcbeath jenifer huang, 2006: p296) و روسیه (geir holten, &rgenesen, 2006: p42) که خیلی دیر اقدام کردند، در ایران برای مقابله با تهدیدات مزبور طرح قانونی راجع به شکار در (۱۳۳۵/۱۲/۴) تصویب شد که بر اساس آن، برای نخستین بار محدودیت‌هایی در حوزه شکار انواع جانوران وحشی مقرر شد. با وضع این

قانون، شکار فقط با داشتن پروانه، مجاز شناخته شد. کانون شکار مسئولیت نظارت بر صدور پروانه و اعلام ممنوعیت‌های شکار را به لحاظ فصل، نوع، منطقه و ابزار شکار عهده‌دار گردید. در (۱۳۴۶/۳/۸) قانون شکار و صید تصویب و متعاقب آن طرح قانونی شکار و صید (۱۳۳۵/۱۲/۴) ملغی گردید. در سال (۱۳۵۰) بر اساس قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، ساختار اداری سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مورد بازنگری قرار گرفت. ماده (۴) این قانون، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید را به سازمان حفاظت محیط زیست تبدیل کرد. در جهت توسعه اختیارات و ساختار جدید تشکیلاتی سازمان، در (۱۳۵۳/۳/۲۸) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست تصویب و قانون شکار و صید مورد بازنگری قرار گرفت. بر اساس بند الف ماده (۳) قانون مزبور، مناطق طبیعی چهارگانه با عنوان پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش، منطقه حفاظت شده با هدف حمایت از حیات وحش ایجاد شدند.

مطالعه روند تاریخی تصویب قوانین زیست محیطی نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی، رژیم حقوقی حمایت از محیط زیست و مدیریت قانونی مسائل زیست محیطی از اصل (۴۵) قانون اساسی که بر اداره صحیح انفال (شامل رودخانه‌ها، جنگل‌ها، بیشه‌های طبیعی، کوهها) تأکید دارد، آغاز شده و با اصل (۵۰) ادامه یافته است. دیگر راهبرد کلان در حوزه مدیریت قانونی مسائل زیست محیطی، قانون برنامه پنج ساله کشور است که در آن جهت‌گیری‌های کلی و سیاست‌های کلان مراقبت از محیط زیست تدوین گردیده‌اند. الف- بند (۸) بصره اول (مصوب ۱۳۶۸): جلوگیری از تخریب و انهدام زیستگاه‌های حیات وحش کشور؛ ب- تبصره (۸۱ و ۸۲) برنامه دوم (مصوب ۱۳۷۳): اجرای طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ بر اساس ارزیابی الگوهای زیست محیطی. ج- ماده (۱۰۴) برنامه سوم (مصوب ۱۳۸۸): جلوگیری از شکار بی‌رویه و نابودی تنوع زیست محیطی. د- ماده (۶۷) برنامه چهارم (مصوب ۱۳۸۳): جلوگیری از شکار بی‌رویه و نابودی تنوع زیستی با محدود کردن پروانه حمل اسلحه شکاری و تأسیس «صندوق ملی محیط زیست».

در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور که تبیین‌کننده سیاست‌های جامع به حساب می‌آید به بهره‌مندی از محیط زیست سالم تأکید شده است (www.maslehat.ir, 6/9/2007). حمایت از تنوع گونه‌های جانوری و مقابله با شکار غیرمجاز حیوانات حفاظت شده با وضع ماده (۶۸۰) قانون مجازات اسلامی ادامه یافت. بر خلاف سکوت قانونگذار در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ در ماده (۶۸۰) مجازات شکار غیرمجاز گونه‌های تحت حمایت بدون توجه به تمایز بین آنها معین گردید. آخرین اصلاحات نیز در قالب اصلاح قانون شکار و صید انجام شد.

## ۲-۱- اسناد فراملی

شروع نهضت حقوقی حمایت از محیط زیست در نظام بین‌الملل، به نیم قرن قبل باز می‌گردد. موضوع محیط زیست سالم و مناسب به حدی اهمیت پیدا کرده است که از ابتدا به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر شناخته شده و در اعلامیه استکهلم مورد اشاره قرار گرفته است (رمضانی قوام آبادی ۱۳۷۸: ص ۸). از آن زمان تاکنون جامعه جهانی تلاش کرده تا به مهار بحران‌های زیست محیطی بپردازد. انعقاد (۳۰۰) معاهده چند جانبه و حدود (۱۰۰۰) معاهده دو جانبه (مولایی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴) و هفتاد سند بین‌المللی گواه این مدعاست (www. irandoe.org.28/10/2007). بخش قابل توجه از تلاش‌های انجام شده به موضوع حمایت از گونه‌های جانوری اختصاص دارد. کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و گیاهی در معرض خطر ۱۹۷۳، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با بیابان‌زایی، کنوانسیون منطقه‌ای کویت ۱۹۷۸، کنوانسیون زیست محیطی دریای خزر ۱۹۹۵، کنوانسیون ساختاری سازمان ملل در باره تغییرات اقلیم ۱۹۹۲، کنوانسیون اروپایی وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۵ و کنوانسیون کیوتو، از جمله استاد مزبور هستند. اقدامات بین‌المللی تا آنجا پیش رفته است که نهاد قضایی غیردولتی در حمایت از محیط زیست خواستار مجوز رسمی برای رسیدگی به مسائل زیست محیطی شده است (Thomas, greibr, 2004, p 25). برای درک رویکردهای بین‌المللی نسبت به مسائل زیست محیطی، به بررسی اسنادی که با محوریت گونه‌های جانوری غیرآبزی تنظیم شده‌اند، می‌پردازیم.

## ۲-۱-۱- کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان

سازمان علمی فرهنگی سازمان ملل در سال (۱۹۷۲) کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را به تصویب رساند. در این معاهده آثار طبیعی با ارزش فوق‌العاده که دارای مزایای استثنایی هستند، به عنوان میراث بشریت شناخته می‌شوند و همه ملل باید در پاسداری از آن بکوشند. کنوانسیون مزبور تعرض و تخریب هر یک از آثار طبیعی را به منزله نابودی بخشی از میراث جهانی تلقی کرده است (Natarajan Ishwaran, 2004: 45). ماده ۲ کنوانسیون مقرر می‌دارد: مجموعه‌ای از اشکال جاندار و غیرجاندار که از نظر علمی، زیباشناختی و زمین‌شناسی دارای ارزش جهانی باشند و گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی که در زیستگاه‌های مزبور قرار دارند میراث طبیعی شمرده می‌شوند. ۱۸۷ کشور از جمله ایران در حال حاضر عضو این معاهده هستند. آثار ثبت شده شامل ۸۵۱ مورد بوده که ۱۶۶ فقره میراث طبیعی هستند که در گستره ۱۴۱ کشور قرار دارند (www.whc.unesco.org 16/ 8/ 2007). طبق ماده ۱۱

هر یک از دولت‌های متعاقد در حدود امکان، فهرستی از تمامی موارد طبیعی واقع شده در قلمرو خود که در خور ثبت در فهرست پیش‌بینی شده است به کمیته میراث جهانی تسلیم خواهد کرد. این فهرست باید شامل مستندات در باره محل، موقعیت و اهمیت آنها باشد. کمیته بر اساس مدارکی که توسط دولت‌ها تسلیم می‌گردد، فهرستی را تحت عنوان «فهرست میراث جهانی» که دارای ارزش استثنایی باشند، تهیه، تکمیل و منتشر خواهد کرد. در فهرست مزبور هر دو سال یک بار تجدید نظر می‌شود. در موارد لزوم فهرستی تحت عنوان «فهرست میراث جهانی در معرض خطر» که نجات آنها ضرورت دارد، تنظیم و اقدامات لازم برای صیانت از آنها صورت می‌گیرد.

#### ۲-۱- کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و گیاهی در معرض خطر

با توجه به آنکه حیوانات با گونه‌های متنوع و زیبای خود، جزء غیر قابل جانشینی از مظاهر خلقت در کره زمین به حساب می‌آیند. از اینرو بایستی آنها هم برای نسل حاضر و هم برای نسل‌های آینده محافظت و نگهداری گردند و از انقراض آنها جلوگیری کرد (Stuart 2006: 109, pimm, peter raven, and...). ارزش روزافزون حیوانات از جنبه‌های مختلف، جامعه بین‌الملل را متقاعد ساخته تا بهترین صیانت از گونه‌های جانوری به عمل آورد. نیل به این مقصود مستلزم مشارکت بین‌المللی علیه بهره‌برداری بی‌رویه و ایجاد موانع و اعمال محدودیت در تجارت آنهاست (Manuel Ruiz muler & Isabel laperna, 2007: 89). برای مقابله با خطرات زیست محیطی ناشی از تجارت حیوانات یا اجزای بدن آنها، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و گیاهی در معرض خطر، (موافقتنامه واشنگتن) در سال ۱۹۷۳ منعقد گردید (www.cites.org, 18/10/2007) و بر اساس آن تلاش شد تا بازار واردات و صادرات انواع گونه‌ها ساماندهی شود. در حال حاضر، مدیریت بازار حیات وحش برای حمایت بیش از پنج هزار گونه بر سه محور استوار گردیده است (www.worldwildlife.org, 23/7/2007). در محور نخست (فهرست قرمز) گونه‌هایی فهرست شده‌اند که به شدت در معرض خطر انقراض قرار دارند. تجارت بین‌المللی این گونه‌ها به طور کلی ممنوع است. در این طبقه ۵۹۷ (۶۰۰) گونه تحت حفاظت قرار دارند: (Hdten and Geir, 2006: 35) از جمله گورخر و گوزن زرد ایرانی. در محور دوم گونه‌هایی قرار دارند که مستقیماً در معرض خطر قرار ندارند ولی چنانچه تجارت آنها بی‌محابا تداوم یابد، ممکن است در معرض خطر قرار گیرند. تقریباً ۴۵۰۰ گونه در این گروه جای دارند. محور سوم، شامل گونه‌هایی هستند که تجارت آنها به تقاضای کشوری که گونه مورد نظر در آن کشور موجود است و خطر تنها در همان کشور گونه را تهدید می‌نماید، ممنوع شده است. این فهرست بیش از ۲۵۰ گونه را در بر می‌گیرد.

صرف وجود این مقررات گرچه لازم است ولی کافی نیست. مشارکت مسئولانه دولت‌های عضو معاهده نقش کلیدی در تضمین اعمال ضوابط مزبور دارد. از مجموع ۱۶۰ کشور عضو معاهده تا سال ۱۹۹۳ تنها ۱۵٪ آنها قوانین مناسب ملی برای اجرای مفاد کنوانسیون را به تصویب رسانده بودند (Es Arroyo Ramon perez-Gil, Quiroz, 2005: 15). به همین دلیل کنوانسیون پیشنهاد کرده، هر یک از دولت‌های عضو علاوه بر تنظیم ضوابط و تشریفات قانونی در واردات و صادرات گونه‌ها و اجزای بدن آنها، با استناد به بند الف ماده ۸ می‌بایست به وضع حمایت‌های کیفری نیز اقدام نمایند. با جرم‌انگاری‌های لازم در حوزه تجارت غیرقانونی انواع گونه‌ها، مرتکبان آن جرایم را از طریق تهدید به کیفر از انجام اعمال مجرمانه منصرف سازند (Barbara Weiner, 2004: 23). به ویژه با جرایم سازمان یافته در حوزه تجارت غیرقانونی حیوانات و اجزای بدن آنها مقابله شود (Axel Kreutz, 2001: 58). با این وصف، امروز علی‌رغم وجود قوانین ملی، هنوز تعرض به گونه‌های مورد حمایت بین‌المللی به وفور وجود دارد (Arielle Levine & Geoffry wandsfods smith, 2004: 135).

ایران که از سال ۱۳۶۶ عضو معاهده مزبور است، علاوه بر تصویب و بازنگری مقررات کیفری، در اجرای آنها هم اهتمام کافی مصروف داشته است. بعلاوه با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و اصلاح مقررات آن گامی مهم در راستای این کنوانسیون برداشته است. همچنین به موجب بند هـ ماده ۱۱ قانون شکار و صید اقدام به صادرات و واردات غیر مجاز حیوانات وحشی، (موضوع ماده ۷ همین قانون ناظر بر کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و گیاهی در معرض خطر)، موجب محکومیت به جزای نقدی و یا حبس خواهد بود. بند ج ماده ۱۰ قانون شکار و صید تجارت جانوران وحشی زنده یا کشته و اجزای بدن آنها بدون کسب پروانه و مجوز را جرم‌انگاری کرده است.

### ۳-۲-۱- کنوانسیون تنوع زیستی

این کنوانسیون در اجلاس زمین «محیط زیست و توسعه» در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو منعقد (سید حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۶) که در سال ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا گردید و اکنون دارای ۱۹۰ عضو می‌باشد (www.cbd.17/9/2007). بر اساس آنچه در ماده ۱ کنوانسیون ذکر شده است، هدف عمده معاهده حفاظت از تنوع زیستی، استفاده پایدار از گونه‌های مختلف، بر خورداری عادلانه از منابع زیستی و مدیریت صحیح آنهاست. پیمان تنوع زیستی بر انجام فعالیت‌های ملی بنیان نهاده شده است. مسئولیت کشورهای عضو بر سایر الزامات اولویت دارند. مهم‌ترین مسئولیت‌ها عبارتند از: ۱- تعیین و تثبیت مناطق حفاظت شده و جستجو برای یافتن و صیانت از زیستگاه‌های متنوع زیستی؛ ۲- توسعه برنامه‌های ملی در خصوص حفاظت از تنوع زیستی؛

۳- نظارت بر وضعیت تنوع زیستی و تهدیدهای موجود؛ ۴- حفاظت از گونه‌های جانوری و گیاهی در زیستگاه‌های مصنوعی با تأکید بر پاسداری از ذخایر ژنتیکی؛ ۵- ارتقاء یا انتقال فناوری‌ها و تبادل اطلاعات مرتبط با تنوع زیستی (www.Environment.org 7/10/2007). ایران از (۱۳۷۵/۶/۳) به شکل رسمی به آن پیوست و هم اکنون از اعضای کنوانسیون به شمار می‌آید. از جمله الزامات اعضای در الحاق به این کنوانسیون تعیین راهبردها و برنامه اقدام ملی در خصوص حفاظت از تنوع زیستی است. کنوانسیون ضمن به رسمیت شناختن حق بهره‌برداری اعضای، استفاده از آنها را به عدم ورود صدمات زیست محیطی به سایر کشورها و مناطقی موکول کرده است که خارج از قلمرو ملی دولت‌های بهره‌بردار قرار دارد. ماده ۳ کنوانسیون هر یک از اعضای را موظف کرده تا این اقدامات را انجام دهند. ۱- حفظ تنوع زیستی از طریق مناطق حفاظت شده، اصلاح، احیا و ترمیم گونه‌های در معرض خطر تهدید؛ ۲- وضع مقررات (صیانت قانونی) از تنوع زیستی خارج از محیط طبیعی زندگی گونه‌ها (حفاظت بیرونی)؛ ۳- اتخاذ انگیزش‌های اقتصادی، اجتماعی مناسب به منظور تشویق افراد به حفاظت از گونه؛ ۴- تنظیم قوانین لازم برای حفاظت از گونه‌های در معرض خطر نابودی به منظور تکمیل این کنوانسیون. پروتکل ایمنی زیستی پس از هشت سال مذاکره به آن الحاق گشت. (Tome young, Richard tapper, 2004, p31 ... &). تأکید عمده کنوانسیون و پروتکل بر حمایت و حفاظت از محیط زیست بر پایه تدابیر اجتماعی و تقویت احساس مسئولیت جمعی با استفاده از ابزارهای متنوع است (Ruth Machenzie, ... & Katharina kummer, 2003, p16). اما با وجود انجام اقدامات مزبور بدون وجود تضمینات حقوقی به مقصود نمی‌رسد. مهم‌ترین این تضمینات، قوانین جزایی است که با وضع ضمانت اجرای کیفری، از تعرض به منابع زیستی و حیات وحش جانوری ممانعت به عمل می‌آید.

## ۲- حمایت کیفری

در قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵ که شایسته است با توجه به قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی ۱۳۷۴ واژه صید از عنوان آن حذف شود، قانون‌گذار فهرستی از رفتارها را جرم‌انگاری کرده که در صورت تحقق آنها، مرتکبان به عنوان شکار غیرمجاز، خرید و فروش، حمل، عرضه، نگهداری، واردات و صادرات غیرقانونی حیوان یا اجزاء بدن آنها، قابل تعقیب خواهند بود. برای حمایت حقوقی (بر خلاف ماده ۱۷۹ قانون مدنی که شکار را از اسباب تملک شناخته است) در قبال اتلاف هر جاندار بر حسب گونه، مجرم ملزم به پرداخت بهای آن است. به همین منظور، قیمت انواع مختلف جانوران در رده‌های پستاندار، پرنده و خزنده تعیین شده است (روزنامه رسمی شماره ۸۴۴۳-ر/۸۴/۲۵).



## ۲-۱- حمایت مطلق

## ۲-۱-۱- حمایت از گونه‌های معین

شکار برخی حیوانات بطور کلی ممنوع است. برخی از طرفداران محیط زیست معتقدند برای تضمین حمایت از گونه‌های جانوری، شکار باید جرم مادی صرف به حساب آید (Clare shine, & Lothar gundlingm 2000: 96). جاندارانی که نسل آنها در معرض نابودی است و یا تعداد آنها بسیار نادر و کمیاب شده باشد از جمله گونه‌هایی به شمار می‌آیند که مورد حمایت کامل قرار دارند. برای حفظ نسل گونه آنها شکارشان جرم شمرده شده است. ماده ۱۳ قانون شکار و صید مقرر داشته «هر کس مرتکب شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح، هوبره و میش مرغ شود به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۳ سال یا جزای نقدی از یک میلیون و ۸۰۰ تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ابتدا لازم است روشن شود که تعریف شکار چیست؟ هر چند دو واژه صید و شکار عمدتاً به صورت کلمات مترادف به کار برده می‌شوند ولی واژه صید عرفاً برای موجودات آبی استعمال می‌شود در حالی که واژه شکار، اختصاص به جانوران خشکی‌زی اعم از پرنده یا چهار پا دارد. به همین دلیل به ماهیگیر صیاد و به سایرین شکارچی اطلاق می‌شود. تعریف قانونی شکار در ماده ۲ آیین‌نامه شکار و صید چنین بیان شده است: شکار عبارت است از تیراندازی به پستانداران، پرندگان و خزندگان وحشی یا کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن آنها به هر کیفیت، وسیله و طریق. با توجه به تعریف قانونی به نظر می‌رسد که قانون‌گذار شکار و شروع به شکار را با هم تعریف کرده در حالی که شروع به شکار از شکار مجزا است. به علاوه در تعریف به وصف غیرمجاز توجه نشده است. به این ترتیب در تعریف جرم شکار می‌توان گفت: کشتن یا گرفتن غیر مجاز حیوانات وحشی در طبیعت به قصد تحصیل آنها. در این تعریف مؤلفه‌های زیر مود نظر است. نخست آنکه شکار از جرایم مقید است تا زمانی که نتیجه حاصل نشود جرم محقق نشده است. نتیجه ممکن است به صورت اتلاف یا زنده‌گیری آنها ظاهر شود. اگر اقدامات شکارچی موجب فرار شکار شود، جرم شکار محقق نیست. مگر آنکه پس از فرار یا در حین آن به علت صدمه وارده حیوان تلف گردد. دستیابی شکارچی به لاشه حیوان هم شرط تحقق جرم نیست. چنانچه حیوان پس از اصابت به محل غیر قابل دسترسی پرتاب شود در تحقق جرم تردیدی نیست. رها ساختن حیوان شکار شده نیز با هر هدف و انگیزه‌ای صورت گیرد مانع تحقق جرم نخواهد بود. به محض گرفتار آمدن حیوان جرم محقق شده و رها کردن آن اثری در رفتار مجرمانه نخواهد داشت صرفاً ممکن است از عوامل مخففه کیفر به حساب آید. عنصر دوم، وحشی بودن حیوان است. زنده‌گیری یا اتلاف

حیوانات اهلی از مصادیق شکار محسوب نمی‌شود. سوم آنکه کشتن یا گرفتن حیوان الزاماً باید در محیط طبیعی و در حالت آزادی حیوان به منظور به چنگ آوردن آن باشد. بنابر این کشتن حیوان در باغ وحش یا اتلاف حیوان گرفتار به وسیله دیگری، جرم مستقل بوده و از مصادیق جرم پیش‌بینی شده در ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی است. چنانچه حیوان پس از اصابت گلوله فرار کرده و زنده بماند، جرم عقیم (مشمول احکام شروع به جرم) است. در صورتی که بدون وجود قصد شکار در مورد مشابه، جرم تام موضوع ماده ۶۷۹ (ناقص کردن) محقق است. قید غیرمجاز اشاره به آن دارد که زنده‌گیری یا اتلاف حیوان در صورتی جرم خواهد بود که بدون اذن قانونی صورت گیرد. با این وصف دفع حیوانات زیانکار (جانوران وحشی که به مزارع و باغات و سایر حیوانات زیان می‌رسانند)، دفاع از خود در قبال حیوان وحشی و شکار با پروانه، جرم محسوب نمی‌شوند. نکته آخر آنکه وسیله نقشی در تحقق جرم شکار ندارد. شکار به کمک هر ابزاری که صورت گیرد جرم خواهد بود. به همین دلیل در تعریف اشاره‌ای به وسیله نشده است.

با توجه به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی، شکار غیرمجاز جانوران وحشی حفاظت شده علی‌الاطلاق منع شده است. در ماده ۱۳ قانون شکار و صید شکار جانوران کمیاب و در معرض خطر انقراض جرم تلقی شده است. حال پرسش آن است که چگونه این مقررات با هم قابل جمع هستند؟ پاسخ آن است که حکم ماده ۶۸۰ از نظر نوع گونه عمومیت دارد و به لحاظ تاریخ وضع مقدم است در حالی که حکم مندرج در ماده ۱۳ از نظر گونه خاص بوده و به لحاظ تاریخ وضع مؤخر است. از این رو، حکم ماده ۱۳ مخصص حکم عام ماده ۶۸۰ قرار می‌گیرد و در نتیجه شکار حیوانات در معرض انقراض و کمیاب مشمول حکم ماده ۱۳ بوده و سایر گونه‌ها تابع حکم عام ۶۸۰ خواهند بود. این موضوع با قاعده مندرج در ماده ۲۲ قانون شکار و صید هم مغایرتی ندارد زیرا مجازات مقرر شده در ماده ۶۸۰ شدیدتر می‌باشد.

شرط اساسی اعمال ماده ۱۳ شناسایی گونه‌های در معرض خطر انقراض است. تعیین مصادیق و ابلاغ عمومی آنها به ویژه به ساکنان محلی متکی به قاعده قبح عقاب بلا بیان از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست شمرده می‌شود. امروزه به قدر کافی امکان مطلع شدن عموم از نام و نشان این گونه‌ها میسر نیست. برای پیشگیری از شکار گونه شرط اولیه مطلع ساختن عموم جامعه از نام و مشخصات آنها و اعلام هر گونه تغییر در فهرست آنهاست.

برخی از گونه‌های در معرض خطر از آنچنان اهمیتی برخوردارند که قانونگذار را متقاعد ساخته تا چتر حمایتی خود را گسترش دهد. گونه‌های مزبور شامل انواع پرندگان شکاری است. گرچه این پرندگان اصولاً مشمول احکام صدر ماده ۱۳ قرار می‌گیرند ولی به حکم مندرج در تبصره ۲ علاوه بر اعمال حداکثر مجازات حبس به پرداخت جزای نقدی هم محکوم

می‌شوند. به دلیل تصریح قانون‌گذار به گونه پرنده شکاری نظیر شاهین، بحری، بالابان و دلیجه، تشدید مجازات قابل تعمیم نیست. در خصوص پرندگان شکاری علاوه بر ممنوعیت فوق، خرید، فروش، حمل، نگهداری و صادرات آنها نیز منع شده است. به استناد تبصره ۲ ماده ۱۳ کلیه اعمال مزبور جرم بوده و مشمول تشدید مجازات می‌باشند. آنچه قانون‌گذار از جرم‌انگاری آن غافل مانده حمایت از تخم و لانه آنهاست.

#### ۲-۱-۲- حمایت به لحاظ زیستگاه

حمایت تام دیگر که در جهت حراست از گونه‌های مختلف جانوری انجام گرفته است، مربوط به موقعیت زیستگاه آنهاست. بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مناطق مهم طبیعی را به چهار گروه شامل پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده طبقه‌بندی کرده است. در این شیوه به جای استفاده از معیار متنوع گونه‌ها از شاخص قلمرو محلی که جانوران در آنها به سر می‌برند، استفاده کرده است. در آموزه‌های دینی هم از ملاک مشابه استفاده است. مثلاً برای محافظت از جانورانی که در حریم شهر مقدس مکه زندگی می‌کنند، حرمت صید وضع شده است (پورمحمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

قانون‌گذار در بند ب ماده ۱۳ قانون شکار در حمایت از زیستگاه مقرر داشته که شکار در پارک ملی، جرم است. در این بند ممنوعیت منحصر به محل ارتکات جرم است. محلی که مأمّن و زیستگاه انواع گونه‌هاست. از این منظر حمایت به موضوع جرم معطوف نیست بلکه به منطقه زیستگاهی آنها مربوط است. بنابراین، شکار هیچ جاننداری در پارک ملی مجاز نیست. در این مورد نخست لازم است روشن شود که پارک ملی به چه منطقه‌ای اطلاق می‌گردد؟ حدود و ثغور آن چگونه و توسط چه نهادی تعیین می‌شود؟ بند الف ماده ۱۳ قانون بهسازی محیط زیست، شورای عالی حفاظت محیط زیست را مسئول تعیین محدوده پارک ملی معرفی کرده است. در تعریف این منطقه، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، به محدوده‌ای از منابع طبیعی اعم از جنگل، بیشه، مرتع، اراضی جنگلی، دشت، آب و کوهستان که نمونه بارزی از مظاهر طبیعی کشور باشد، پارک ملی اطلاق می‌شود. بنابراین، پارک ملی مناطق وسیع با ویژگی‌های خاص و اهمیت ملی از نظر جغرافیای زیستی، بوم‌شناسی هستند که با هدف حفظ وضعیت زیستی و طبیعی آنها، بهبود جمعیت گونه‌های جانوری و رویشگاه گیاهی انتخاب می‌شوند. تعداد این مناطق در کشور ۱۹ مورد می‌باشد (درویش صفت، ۱۳۸۶، ص ۲۰). پارک های ملی محلی مناسب برای فعالیتهای آموزشی و پژوهشی به شمار می‌آیند به نحوی که در تحقیقات زیست محیطی از آنها به عنوان آزمایشگاه زنده یاد می‌شوند (Santiago Carrizosa and (Patrick) Meguire, 2004, p178).

در محدوده جغرافیایی پارک ملی برابر ماده ۱۳ قانون، شکار هر موجود زنده صرف نظر از نوع حمایت، ممنوع و مرتکب به مجازات حبس یا جزای نقدی به انتخاب دادگاه محکوم خواهد شد. برای پیشگیری از هر گونه عمل مجرمانه ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون بهسازی محیط زیست نیز بر ممنوعیت تیراندازی تأکید کرده است. سیاست پیشگیری از جرم تا آنجا پیشرفته که ماده ۸ همین قانون هر گونه گردشگری در این منطقه را به کسب مجوز از محیط زیست موکول کرده است.

### ۳-۱-۲- حمایت به لحاظ وسیله (طریق)

شکار با ابزار مختلف انجام می‌شود. استفاده از برخی ابزارها موجبات اتلاف دسته جمعی حیوانات را فراهم می‌کند. قانون‌گذار به منظور مقابله با شیوه‌های خطرناک، بکارگیری برخی ابزار شکار را منع و استفاده از آنها را جرم شمرده است. از جمله ابزار و طرق مزبور استفاده از مواد سمی و یا استعمال مواد انفجاری است. بند ج ماده ۱۳ قانون شکار و صید مقرر می‌دارد: شکار، صید و کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره ممنوع است. طرق مندرج در قانون جنبه حصری ندارند. بنابراین با توجه به عبارت «و امثال آن» در متن قانون استنباط می‌شود که استفاده از هر شیوه مشابه نیز مشمول همین ممنوعت خواهد بود. شکار با استفاده از شوک ناشی از جریان الکتریسته یا استفاده از نیروی مغناطیس که سبب اتلاف دسته جمعی می‌شود، مشمول مجازات همین ماده خواهد بود.

طریق ممنوعه دیگر که با هدف جلوگیری از شکار گروهی حیوانات مقرر شده است، شیوه استفاده از محاصره جمعی حیوانات است. بدین منظور ماده ۱۳ قانون مزبور شکار از طریق جرگه و محاصره گروهی را ممنوع ساخته است. در تأمین این هدف ماده ۷ آیین‌نامه شکار ویژه، حضور هیأت‌های بزرگ شکارچی در شکارگاهها را ممنوع دانسته است. طریق و وسیله ممنوعه بعدی مربوط به استفاده شکارچی از طعمه می‌باشد. ماده ۳۷ دستورالعمل نحوه اجرای برنامه شکار در منطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش توسط اتباع ایرانی در سال ۱۳۸۶، استفاده از طعمه برای شکار یا کمین کردن را ممنوع اعلام کرده است. بعلاوه در خصوص استفاده از سلاح گرم با توجه به آنکه این نوع وسیله از قدرت تخریبی بالا برخوردار است، بکارگیری انواع خودکار و نیمه خودکار آن منع شده و شکارچی نمی‌تواند از آنها برای شکار استفاده کند. در مورد بکار بردن انواع گلوله و فشنگ نیز محدودیت‌هایی با هدف حمایت از نسل انواع جانداران مقرر شده که از جمله آنها منع استعمال فشنگ چهار پاره است.

#### ۴-۱-۲- حمایت از طریق سلب موقعیت‌های خطرناک

منظور از موقعیت‌های خطرناک، فرصت‌ها یا اقداماتی است که می‌تواند موجودیت حیات وحش را به طور جدی تهدید نماید. از جمله اقداماتی که ممکن است زندگی تنوع گونه‌های جانوری را به مخاطره اندازد، سوءاستفاده محیط بانان و مراقبان حیات وحش خواهد بود. چنانچه مأموران مراقب بر خلاف رسالت و وظایف مأموریتی رفتار کنند، در قیاس با افراد عادی با توان بیشتر می‌توانند موجودیت حیات وحش را با مخاطرات جدی روبرو سازند. قانون‌گذار با علم به این مسأله و به منظور کاهش یا حذف موقعیت‌های خطر آفرین، شکار غیر قانونی مأموران، معاونت و مشارکت آنان در شکار غیر مجاز را جرم تلقی کرده و برای سلب و ممانعت از این اقدامات، آنها را به حداکثر مجازات تهدید کرده است. ماده ۲۱ قانون شکار مقرر داشته که هرگاه مأموران سازمان مرتکب جرایم در این قانون شوند یا در ارتکاب جرم معاونت یا مشارکت داشته باشند به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

موقعیت خطرناک دیگری مربوط به گزارش مأموران است. مأموران حفاظت محیط زیست با ارائه گزارش صحیح و به موقع نقش مؤثر در کاهش آسیب‌های وارده به حیات وحش خواهند داشت. بر عکس، گزارش نادرست و خلاف واقع نیز ممکن است حیات انواع گونه‌ها را به خطر اندازد. چه بسا ارائه گزارش نادرست به مراتب در مقایسه با اقدامات شکارچیان متخلف، سهم بیشتر در تهدید حیات وحش به خود اختصاص دهد. از این رو قانون‌گذار با هدف کاستن از ارائه گزارش خلاف واقع در ماده ۲۰ قانون شکار مأمور متخلف را به کیفر مضاعف تهدید کرده است. اما نکته مغفول آن است که در حال حاضر چه بسا اطلاع به موقع از اصل گزارش اهمیت بیشتر دارا باشد. بنابراین شایسته است تا علاوه بر تأکید بر درستی و صحت گزارش به سرعت و به موقع بودن آنها نیز توجه شود.

ترک وظیفه و عدم ارائه گزارش تخلفات و جرایم ارتكابی نیز بستر ساز وقوع تعدد و تکرار جرایم و در نتیجه موجب تجری مرتکبات خواهد شد. این موضوع به خصوص در مورد شکاربانان محلی و آشنا با شکارچیان متخلف بسیار حائز اهمیت است. عدم پشتیبانی جدی از شکاربانان وظیفه‌شناس ممکن است به تدریج زمینه شکار غیرمجاز افراد محلی را فراهم سازد. با درک این مسائل قانون‌گذار ترک وظیفه و گزارش ندادن جرایم واقع شده را جرم دانسته و مجازات حداکثر را برای آن مقرر داشته است.

توقیف ابزار و آلات به کار رفته در شکار و اشیاء و وسایل همراه شکارچی نیز سهم بسیار در پیشگیری از ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا خواهد داشت. وسیله نقلیه نظیر خودرو یا موتور سیکلت که به طور مستقیم برای شکار استفاده شده باشد از این قبیل هستند. توقیف این اشیاء

که به قید تمثیل در ماده ۱۴ قانون شکار ذکر شده است نظیر تفنگ، فشنگ، دوربین چشمی، زمینه اقدامات بعدی را به شدت کاهش داده و حمایت از حیات وحش را به دنبال دارد.

## ۲-۲- حمایت‌های نسبی

منظور از حمایت نسبی، حراست از گونه‌های مختلف جانوری به طور محدود است. در این نوع حمایت، قانون‌گذار شکار انواع حیوانات وحشی را ممنوع نساخته بلکه شکار آنها را محدود کرده و با لحاظ شرایط خاصی، شکار آنها را پذیرفته است. اساساً به موجب ماده ۸ قانون بهسازی محیط زیست مبادرت به شکار مستلزم تحصیل پروانه یا اجازه از سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. اقسام پروانه شکار مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون شکار عبارتند از عادی، انتفاعی و ویژه. بنابراین پس از کسب پروانه، به حکم قانون، شکار برخی از گونه‌ها با لحاظ شرایط مندرج در پروانه، مجاز خواهد بود. شکار وحشی که فراوانی آنها به طور طبیعی از تعداد کافی برخوردار است و شکار تأثیر منفی بر بقای نسل آنها ندارد، تجویز شده است (قاسمی ۱۳۸۴، ص ۹۰). گونه‌هایی که به طور نسبی مورد حمایت قرار دارند عبارتند از: عادی، حمایت شده و زیانکار.

### ۲-۲-۱- گونه‌های عادی

منظور از گونه‌های عادی وحشی هستند که در فهرست گونه‌های در معرض خطر انقراض قرار ندارند و در گروه حیوانات حمایت شده یا حفاظت شده نیز نباشند. به موجب بند ۳ ماده ۳ قانون شکار؛ شورای عالی حفاظت محیط زیست مصادیق آنها را تعیین می‌کند. برخی از انواع گونه‌های عادی عبارتند از کل و بز وحشی، انواع سمور، سنجاب، گرگ، شغال، روباه معمولی، کبک و تیهو، بلدرچین، انواع غاز، انواع مرغابی، کبوتر، فاخته و قمری. برای حمایت از موجودیت این گونه‌ها قانون‌گذار شکار آنها را با شرایطی ویژه مجاز دانسته است. برای تضمین اعمال شرایط مزبور، قانون‌گذار نقض آنها را جرم شناخته و در ماده ۱۰ قانون شکار مقرر داشته که شکار جانوران وحشی عادی بدون پروانه مستلزم حبس تا ۶ ماه و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال است.

حمایت دیگر که از این گونه جانوری به عمل آمده ممنوعیت شکار آنها در فصل و ساعات ممنوعه است. شکار بیش از مقدار مشخص شده در پروانه و شکار خارج از محل و منطقه معین شده از دیگر موارد حمایتی است. نقض هر یک از محدودیت‌های مزبور جرم تلقی شده و برابر بند ب ماده ۱۰ قانون شکار موجب محکومیت به حبس یا جزای نقدی به اختیار دادگاه است. پرسشی که در این مورد مطرح می‌شود آن است که چنانچه شخصی پس از تحصیل

پروانه با نقض شرایط قانونی در محلی خارج از منطقه مورد نظر و به میزان بیشتر از مقدار معین شده از حیوانات عادی را شکار کند آیا عملش مشمول تعدد جرم است؟ با توجه به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد که رفتار مرتکب مشمول تعدد مادی جرم باشد. زیرا هر یک از مصادیق مزبور دارای عناوین مستقل مجرمانه می‌باشد. ادعای اینکه تمامی رفتارها تحت عنوان شکار غیرمجاز و به عنوان فعل واحد محسوب می‌شوند، صحیح نیست. زیرا در قانون «شکار غیرمجاز» به عنوان یک رفتار مجرمانه پیش‌بینی نشده است بلکه مصادیق متعدد آن رفتار احصاء گردیده است. ثانیاً، فلسفه حمایت از گونه‌های جانوری که با هدف حراست از انواع مختلف وحوش می‌باشد ایجاب می‌کند که آنها را متعدد مختلف بدانیم. بعلاوه فرض تعدد مادی از مصادیق تفسیر قانون نیست بلکه از موارد منطوق آن است از این رو تعارض با قاعده تفسیر به نفع متهم ندارد.

#### ۲-۲-۲- گونه‌های حمایت شده

منظور از گونه‌های حمایت یا حفاظت شده، وحوش و جانورانی هستند که به دلیل ضرورت حفظ نسل و تکثیر آنها تحت حفاظت قرار می‌گیرند ولی امکان شکار آنها به طور محدود وجود دارد. چنانچه نسل برخی از انواع گونه‌های عادی تهدید شوند آن گونه از ردیف عادی خارج و به طور خاص مورد حمایت قرار می‌گیرد. حیواناتی نظیر آهو، انواع قوچ و میش وحشی، لک لک، قرقاول از این قبیلند. قانون‌گذار به طور نسبی از حفظ گونه‌های حمایت شده پشتیبانی کرده است. این حمایت علاوه بر آنکه در رده‌بندی نوع آنها ملاحظه شده است، ضوابط شکار آنها در مقایسه با گروه نخست (عادی) به مراتب دقیق‌تر و پوشش حمایت قانون‌گذار از آنها وسیع‌تر شده است. به موجب بند الف ماده ۱۲ قانون شکار امکان شکار بی‌رویه این گونه وجود ندارد به علاوه برای شکار آنها داشتن مجوز ویژه لازم است. کسب پروانه ویژه شرط اولیه برای شکار آنهاست. بنابراین، شکار بدون داشتن این پروانه جرم و مرتکب محکوم به مجازات خواهد شد.

قانون‌گذار در ماده ۱۲ بر خلاف مواد ۱۰ و ۱۱ شکار بیش از میزان پروانه را پیش‌بینی نکرده است. با این فرض، سه صورت قابل تصور است. فرض نخست آنکه شکارهای بیشتر از میزان مقرر از مصادیق شکار بدون پروانه است و مشمول بند الف همان ماده قرار می‌گیرد؛ فرض دوم آنکه با توجه به اطلاق بند ب مواد ۱۰ و ۱۱ مشمول همین ماده خواهد بود؛ فرض سوم آنکه با توجه به حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات عمل مزبور فاقد وصف کیفری باشد. به نظر می‌رسد از فروض سه گانه فرض اول مناسبتر باشد. به دلیل آنکه با توجه به قرینه موجود در ماده ۱۰ بند ب همین ماده انصراف به شکار حیوانات عادی یا غیر حمایت شده

دارد. از طرف دیگر، شکار زاید بر میزان مشخص شده در پروانه، از مصادیق شکار بدون پروانه برای مقدار زاید باشد. توسل به اطلاق بند ب ماده ۱۰ منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا با این فرض، شکار حیوانات حمایت شده مجازاتی برابر با شکار جانوران عادی خواهد داشت.

### ۳-۲-۲- گونه‌های زیانکار

حیوانات زیانکار به موجوداتی اطلاق می‌شوند که موجب بروز خسارت نامتعارف برای انسان خواهند شد. در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار، جانورانی زیانکار شناخته شده‌اند که به مزارع، باغات و حیوانات زیان و آسیب می‌رسانند. از آنجا که وجود اینگونه از حیوانات بر خلاف رفتار ظاهری‌شان برای حفظ چرخه حیات و تعادل زیست‌محیطی لازم و ضروری است. بنابراین حفاظت از نسل آنها هم نظیر موجودات بی‌آزار دیگر مهم و اساسی است. با وجود این نادیده گرفتن خسارت ناشی از عملکرد طبیعی آنها هم ناممکن است. قانون‌گذار به منظور جمع امور مزبور راه حلی بینابین را پذیرفته است. قانون‌گذار در ابتدا توصیه کرده تا سازمان‌های مسئول نسبت به حصارکشی محل زندگی و وحوش با هدف ایجاد مانع در ایراد خسارات آنها اقدام کنند. گام دوم، پیش‌بینی جبران خساران ناشی از اقدامات جانوران زیانکار است. چنانچه راهکارهای مزبور راهگشا نباشند، دفع حیوانات زیانکار مجاز شده است. محیط‌بانان و غیرآنان با کسب پروانه امکان دفع آنها را خواهند داشت. ماده ۸ قانون شکار در این مورد مقرر می‌دارد: سازمان می‌تواند برای دفع آن دسته از جانوران وحشی که به مزارع و باغها آسیب می‌رسانند پروانه رایگان صادر نماید. ماده ۹ همین قانون مقرر داشته چنانچه مأموران سازمان و میرشکاران یا صاحبان مزارع و باغها نتوانند از دفع خسارات جانوران وحشی جلوگیری به عمل آورند، خسارت از محل درآمدهای قانون جبران خواهد شد و همچنین زیستگاه‌های حفاظت شده محصور می‌شوند. شایسته بود تا در انشای قانون به ترتیب از محصور کردن، جبران خسارت و اجازه دفع حیوان استفاده می‌شد. نه آنکه از اذن دفع آغاز و به حصارکشی خاتمه یابد.

### نتیجه

حمایت از گونه‌های مختلف جانوری در ابعاد ملی و بین‌المللی از دهه‌های گذشته شروع شده است. انعقاد کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی، همزمان با وضع مقررات داخلی ظرفیتی بالقوه مناسب ایجاد کرده تا دفع مخاطرات از حیات گونه‌های جانوری امکان پذیر باشد. علی‌رغم اقداماتی که در مراقبت و صیانت از وحوش صورت گرفته، امروزه هنوز حیات وحش جانوری و تنوع زیستی آن در معرض خطر جدی قرار دارد. وضع مقررات کیفی،



احصاء جرایم چهل گانه و اعلام مجازات آنها در قالب حمایت تقنینی از گونه‌های جانوری، گرچه لازم است ولی کافی نیست. آنچه در وضعیت موجود ضرورت دارد، اینکه راهبردهای اساسی در حوزه محیط زیست جانوری با تأکید بر تنوع زیستی به عنوان منشور حمایت از گونه‌های جانوری، همسو با راهکارهای جهانی آن تدوین شود. سپس بر مبنای نظام مزبور و با الهام از یافته‌های دانش زیست محیطی، قوانین عادی مرتبط با نحوه مدیریت قانونی حفاظت از محیط زیست جانوری با استفاده از ضمانت اجراهای کیفی، به‌روز شوند. سرانجام ضوابط محافظت و مراقبت از حیات وحش و زیستگاه‌های آنها، با اراده جدی نهادهای مرتبط، مسئولانه اجرا شوند.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

۱. ارشدی، محمد یار، (۱۳۸۴) «نقش قوه قضائیه هند در حفاظت از محیط زیست» مجله مدرس، دوره ۹ شماره ۳.
۲. پور محمدی، شیمان، (۱۳۸۴) «گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب» فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۹.
۳. حر عاملی، محمد حسین، (۱۴۰۳ ق) «وسایل الشیعه» ج ۱۶، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. درویش صفت، علی اصغر، (۱۳۸۶) «اطلس مناطق حفاظت شده ایران» ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. عامری، محمد ابراهیم، (۱۳۷۴) «مبانی توسعه و حفاظت حیات وحش» نشریه موج سبز، شماره ۲.
۶. قاسمی ناصر، (۱۳۸۴) «حقوق کیفی محیط زیست» تهران، انتشارات جمال الحق، ویرایش ۲.
۷. مولایی، یوسف، (۱۳۸۶) «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم» فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.
۸. هنری، مرتضی، (۱۳۶۲) «محیط زیست و توسعه» نشریه محیط زیست، شماره سوم.

### ب- خارجی

- 1-Ahmad bagader, abubakr,(1998)“**environment protection in islam**”, iucn, Cambridge uk,.
- 2-Ariell Levine& geoffry wandsfods smith, (2004)“wildlife market, states and communities in Africa, looking beyond the invisible hand”, **international wildlife**, vol 7.
- 3-Axel kreutz,(2001)“**organized crime in the wildlife trade in Germany**”, international expert workshop on the enforcement of wildlife trade controls in the EU, Switzerland.
- 4-Barber wiener,(2004)“**an introduction to the African convention on the conservation of nature and nature resources**, iucn- the world conservation union,.
- 5-Clare shine& lothar gundling,(2000)“**a guide designing legal and institution frameworks on aliem invasive species**” Germany, iucn Bonn.
- 6-Es arroyo- quiroz & roman perez-gil,(2005)“developing countries and the implementation of cites”: the Mexican experience, **journal of international wildlife law**, vol 8, 13-49.
- 7-Geir Holton & j rgensen, (2006) “implementing global nature protection agreements in Russia”, **journal of wildlife**, , no 9.
- 8-Hdten and geir,(2006)“implementing global nature protection”, **international wildlife law & policy**, vol 9.
- 9-http://www.cbd.int/convention/parties/list.shtm1 7/9/2007.
- 10-http://www.cites.org/eng/dis/species.shtm118/10/2007.
- 11-http://www.environment.gov.au/biodiversity/trade-use/7/10/2007.
- 12-http://www.irandoe.org/portal/viewpage.php?i28/10/2007.
- 13-http://www.maslehat.ir/contents.aspx?p=60a9d1e39/6/2007.

- 14-<http://www.whc.unesco.org/en/list16/8/2007>.
- 15-<http://www.worldwildlife.org/23/7/2007>.
- 16-Jerry ncbeath jenifer huang,(2006)“biodiversity conservation in china, polices and practice”**journal of international wildlife law and policy**, no9.
- 17-Manuel ruiz muller& Isabel laperna,(2007)“**genetic resources and options for tracking and monitoring their international flows**”, London, iucn pub.
- 18-Natarjan ishwaran,(2004)“international conservation diplomacy and world heritage convention” **international wildlife law** , vol 7.
- 19-Ruth Mackenzie, ...& katharina kummer,(2003)“an explanatory guide to the cartagena protocol on biodiversity” **environment policy and law**, no 35.
- 20-Santiago Carrizo saand, Patrick me guire,(2004) “**accessing biodiversity and sharing the benefits**”, Germany, rheinbreitbach pub,.
- 21-Stuart pimm, peter raven, alan Peterson, can h, ekerciolu, and paul reritch,(2006)“human impacts on the rates of recent, Present and future bird extinction” **nature law**, no 29.
- 22-Thomas greiber,(2004)“**judge and rule of law**” Thailand, world conservation congress.
- 23-Tom young &... Richard tapper,(2004)“**genetically modified organism and biodiversity**” iucn environment law center.